

بر هم کنشی میان هفت پیکر نظامی و عناصر درام در فن شعر ارسطو

آلما قاسمی دهقی^۱، نیما قاسمی دهقی^۲

۱- کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، باشگاه پژوهشگران جوان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، باشگاه پژوهشگران جوان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

ترجمه اشعار نظامی خصوصاً هفت پیکر به زبان های متفاوت، نشان از قدرت بیان و نفوذ کلام این شاعر در برقراری ارتباط و تبادل سخن در خارج از مرزهای فرهنگی و هنری سرزمینش را دارا است. در حقیقت هفت پیکر حاصل پرسه های بی وقفل شاعر در جهان لایبرنتی و موج خویش است، جهانی که مسیرش تکامل و ارزشش معرفت است. نوع چینش ساختار روایی موجود در اشعار نظامی تصویرسازی های مبتکرانه و عالمانه شاعر است. تمامی این اوامر ما را به شناخت و درک بهتر عناصر نمایشی موجود در این اثر سوق می دهد. که یکی از بی بدیل ترین راه ها استفاده از عناصر ساختار موجود در درام ارسطویی است. هدف از مطالعه پیش رو دستیابی به درونمایه نمایشی هفت پیکر نظامی، از منظر درام ارسطویی بوده است. لیکن این اشعار تنها به واسطه قدرت قواعد کلاسیک موجود در درام ارسطویی چون آغاز، میانه، پایان، کشمکش و... است که امکان خودنمایی در چنین اثری منظومی را فراهم می سازد. در پژوهش فوق جهت تجزیه و تحلیل یافته ها از شیوه توصیفی و همچنین بررسی اشعار نیز به صورت تحلیلی - کیفی بر اساس مؤلفه های موجود در ساختار درام ارسطویی استفاده گردیده. یافته های تحقیق حاکی از آن است که هفت پیکر نظامی بدلیل دارا بودن پتانسیل نمایشی و ویژگی های بارزی چون کشمکش، زبان و لحن، اوج زمان و مکان، گره افکنی، تعلیق و...، خصوصاً شخصیت های کنشگری چون بهرام، منجمان، کسری، نعمان و غیره امکان هرگونه اقتباس و برداشت تازه ای را برای نگارش نمایشنامه و دیگر گونه های نمایشی برای نویسندگان فراهم می آورد.

واژگان کلیدی: ارسطو، درام، درونمایه نمایشی، هفت پیکر، نظامی.